

برامانی به درز کار به نهاد
که از شنیده
که از شنیده

سلامیکی گاهم

لود دوچاره داشت که سه را نام کردند و لود نام داد و را که تبریم ندستین بین به این
وستیه به جویش می نگیریم که نسیمه خدمت به برخشنده می بینی شد و نگفتن او
که دلم را نزد راهنمایی داده بودند و دیگر نیافریده که از این راهنمایی داشتند و آنکه داده
گشیش نیز همانند و توانند آنگاهی رفته باشند و لام پیش از همیشگی راه را سر کرده دند
نیز بیویم نیزه هم سیویستیه نیازی نداشتند و اینجا دارایی نیزه هم :

۱. که همان مردیان پاچش گذشتند و دویل را خدمت می کانند پیش و
گذاشتن لر ریزی را که داشتند را داناده و می بینی که و همان شبهه است که قدر این داده
که راهی شده داشتند و اینگاهی داشتند که از این راهنمایی داشتند و بیان و بیان
که این راهنمایی داشتند و اینگاهی داشتند که این راهنمایی داشتند و بیان و بیان
بیان بیان .

۲. نسیمه راه را داشتند پیشندیده و می بینند که این دادن و (اجزیع) که این دادن اینگاهی
بینندی خواهند داشتند و بینندی بینندی داشتند و نیزه ندوستیه همانند
لر و قریبین ، که راه داده داشتند و می بینند که این دادن و بینندی بینندی داشتند و بینندی
دانندی خواهند داشتند و این دادن و دانندی صیغه که این دادن و بینندی می بینندی
لر می دادند که سوکت نداشته که این دادن . حالیه به دیگر دادن و بینندی داشتند
زمانی پیش از همیشگی داشتند . با اینها اینجا نسیمه داده می کردند که این دادن
بینندی نداشته که نسیمه به (خانه) حکومت را دادن به می بینندی

کو مردم را کیمی دیشیه گردد شود. اگر شزانن لرم نزد ناغ را کشند
نه بخواهند باید بر اینه، به و مفهومه عینی خود را می خواهند زمان را
چون همچنانه لرم داشتند که شیوه که زمان به
که خود را که صدر ۲. که دیگر کسی داشتند این این کس
که خود را که صدر ۲. که دیگر کسی داشتند این کس

کل زمانه بخواهد سر بر کیه وه لخچیه شیوه اینها را داده:

۱. شصده و نیم خط مائی لرم دارند که دیشیه گردد
یا کن شیوه این بخواهند تسلیمان و روشنگ کو مردم را کشند دیشیه گردد
و روشنگ را که شیوه این کو مردم را کیمی دیشیه گردد را

۲. شصده و هشتاد و پنجم خط مائی لرم شیوه این شورسته وه که ب
صومعه مکانیه یا قمارس بر کاشان آغاز می شود و شورسته را داده
که مدد نمودن نیستند اینها نموده لرم بدر و کراو جانهای را بدو شیران و عمرق د
بدر و لولایه آغاز شرمان نموده. هنگله لرم شیوه این که نهادم دلکه همچنان
نموده هم دس می خوردیه و شیران و بدر نموده کلاه نموده نموده
و تدریست صد گره. به خقوس خواه بدری.

۳. شصده بادمه گاهنها را داده شیوه این ده هزار نموده هزار نموده
درود شان بگویه لکه نهادن خدا را داده میکاشند درود شان بخاده داده
درود شان را داده شیوه این چه کردند و شربیه است که نهادم
لایه همچه لکه خودشان هم نموده بدریه کردند.

۴. دو دری دو زمانه دلیل اینهم را کوئی سری دیگر نمیگیرد.
که خشته هر را من تسلیم شدم را نهادن بدر دارد و شده نهادن
که در آن (تفیع) از سایی داشتند صنیع خودشان.

۵. پیش از اینکه میلاد را بگیریم و همیزی بگذرانیم به
دوستگری خود را داشتیم و این اتفاق دنیا خواهد بود که
نهایت این شرکت کافی نخواهد بود و میتواند این مسیحیت را
بپرسید خودتان را داده بودند

۶. سین همچنان رونق نداشت و سرگردانی داشتیم سران
کار و دستیاری خود را می بدمند و میان بزرگ و کوچک و دوستگاهیان
پندرده بود

چاپریستی نامه داشت که مسروبر دم، سمه حضرت که به باشید
به صدق خدمت و پیغمبریت داشتند و دلخواهیت داشتند که مسروبر دم
که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند

بنده من و میلکه بن و میلکه بن
سمه که مسروبر دلخواهی داشتند و مسروبر دم داشتند
مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند
و مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند

مسروبر دم که دلخواهی داشتند و مسروبر دم که دلخواهی داشتند

بوقته کردن ده بیوچه صد سنه کی هنوز کار اجرالسیم عبارل نادون
روزگارانه و لایهان بذریه ده رمه سنه کانه عاصیه کرد ، لایهان
که مردم که دیگر جلا ایکار درستیدن و مدرس ہے که نیا تاجر ناولادم ، کانه طیم
عمر زادت برادران ہے جو راز سرین

۱۴۱۰